

کودکان آذربایجان قربانی اغتشاش و اجبار در آموزش زبان دوم

باش سوز یئرینه:

گلین بیزیم کندی میزه آغلیاق!

بیلیر سیز بیزیم کنده اولولری ده قویلايان تاپیلیمیر، قوجا قیبر قازا بیلیمز، انشیتیمیشم آراد خایلاقی دا قیبر قازا بیلیمز، نه بیلیم بلکه اولن رحمتلیک یئر سیز اولوبدور! هنج شام سیز یاتیبیسیمیزی؟! هنج اولوب آتانیزدان دفتر پولو ایسته ینده قیزاریمی؟! هنج اولوب آتانیزین قیافه سی یادینیزدان چیخسین؟! اولوب قونشولاریزدا هر ائوده اوچ- دورد دنه یاشلی قالمیش قیز اولسون؟! بیلیر سیز بیزیم کندی میزه اوغلان دا آنادان اولار... آنجاق ساغ-سولون تانیجاق بیر تیکه چورکدن اوترو کرج یادا تئهراندا فهله لیک اندیر! یاشامین خرجی چوخ دور! اوشاق اولاندا انله باشا دوشردیم کی تئهران چوخ یاخشی بیر یئردیر. آرزیم اورا گندیب و اورانی گورمک ایدی. بویونینده قاندم کی قوجا آنانی و جاوان باجی لاری اوز باشینا قویوب تئهراندا موبل رنگله مک انله ده یاخشی دئییل. بیلدیم کی منیم بیر گون فهله لیکله قازاندیغیم پول، تئهرانلی آروادین بیر دفه بزه بین گورمز. نه اولاردی او بزمنه بییدی! من ده گندیب عائله مین باشیندا اولایدیم. نه بیلیم بلکی اوز توپراقیمدا یاشاماق گونا دیر! خرمن واختیدیر، ایندی حتمن قوجا آتام بوغدامیزی دویوب، تلیس لره بیغیدیر. گوره سن آتامین تلیس لری داماداشیماغا گوره لیندن توتان تاپیلاجاق می؟! گونا اوزونده دیر. بالاجا تلیسه بیغسین، گوجو چاتسین گوتورمه یه! نه بیلیم بلکی آتام اوزون ایشه وئریمیر! هنج قیزیل اوزنه ده آخماق یاراشمیر!

آیدین انگوتی

یورد، شهید رجایی بیلیم یوردونون تورک اوپرنجیسل درگیسی، ییندی آی اؤنجه (آراز درگیسی باغلاناندان سونرا) یاییم جاوازی آماغا چالیشیب، آنجاق کئچن هفته چوخلو چتینلیک لردن سونرا موجودی اده اندیب. بنله لیکله آذربایجان اوزگورلویونو، تورک بیرلیگینی اساس توتاراق بیر- بیریمیزه یولداش اولوب آرخامیزی گوجلندیریب، یاپانچی لارا گیره وه وئرمه یه جه بیک. بو یولدا امکداشلیغینیزی اوموروق.

یورد درگی سی

اوخ آتان آیینین (آذر) 26 سی منحوس پهلوی رنژی می نین الی ایله آذربایجان تورکجه سینده، یاندریلان کیتابلارین ایل دونومون ده یرلی اولوسوموزا جان آغری دنیریک.

اول را که "نق" بود سه بار گفتم(نق نق نق) ولی نمی دانستم که در قسمت بعدی "ق" را دوباره بگویم یا نه؟! یکی از دوستانم در ردیف اول نشسته بود یواشکی به من گفت: "قاش قاش". من هم فکر کردم می گوید فرار کن و از دست چوب زدن معلم خلاص شو، ولی من فرار نکردم چون آنقدر چوب خورده بودم که دستهایم عادت کرده بود و امروز هشت عدد چوب خوردم، درست به اندازه سن خود(!!!) و تا روز بعد دستهایم عذاب می کرد. عید نوروز همان سال بود که پسر همسایه ما احمد که درجه دار بود با خانواده اش به روستا آمده بودند من متوجه شدم که ایشان با دختر کوچک خود صحبت می کند ولابلای صحبت خود بعضی از کلمات مدرسه ای را هم استفاده می کند از احمد پرسیدم: "مگر شما معلم هستید که به زبان مدرسه ای صحبت می کنید؟" گفت: "نه پسر کوچولو ما معلم نیستیم و این زبانیکه صحبت می کنیم زبان مادری همسر من هست". بخانه رفتیم و از مادر پرسیدم: "آیا زبانی که ما در مدرسه با آن درس می خوانیم زبان مادری همسر احمد اقا هست؟" گفت: "بلی پسر احمد اقا چون در فارستان کار می کند خاتمش از ملت ما نیست و من خودم هم زبان ایشان را نمی دانم". پرسیدم: "چرا در حالی که همه روستای ما به زبان من صحبت می کنند من مجبور هستم که به زبان همسر احمد اقا درس بخوانم؟" مادرم دستی به سرم کشد و گفت: "او غلوم نیه چوخ سوز سوروشورسان(چرا زیاد سوال می کنی)". و جوابم را نداد ولی اگر می خواست هم جواب بدهد بنظر شما چه می توانست بگوید؟ آری با این سنوالات بزرگ شدیم و زندگی ما پر از مجهولاتی ماند که کسی نتوانست جواب مرا بدهد ولی بعدها فهمیدم این فقط مشکل من نیست بلکه میلیونها تورک مثل من هستند که جواب سنوالاتشان داده نشده است. ولی باز هم سنوالات دیگری به ذهنم رسید تا حالا که فکر می کردم تنها هستم ولی حالا دیدم که زیاد هستیم ولی باز هم نمی توانیم به زبان خود درس بخوانیم اگر در دنیا تنها بودم خیال می کردم که جهت تنها بودن نمی توانم این مشکلات را حل کنیم ولی نمی توانم که با خیالات زندگی کنم، بایستی با حقایق زندگی کرد و در راه گرفتن حق خود بایستی مبارزه کرد و اینجاست که سخن قهرمان آذربایجان، بابک، به یادم افتاد: "روزهای زیادی بود که گرسنه و تشنه ماتم ولی حتی یک روز هم که نا امید باشم نداشتم."

پارانان گونده ن آتامان منه دنیا قارالاندی آتیلان اوخ منه دیدی اوزه گیم هی پارالاندی هر خیال ایله دولاندیم آرزولاریم آرالاندی وطنیم چوخلو تالاندی غمیم آرتیب هاوالاندی وطن عشقیده تالاندی

تورک دیله ساغ اله الیم قارا باختی سولا توتدوم میللتیمده غمی گوردوم کؤکسومه هر غمی اوتدوم آغلیار کنه یولا دوشدوم جواب اختارماغا گزیدیم سادجه آنامی تاپدیم

دندی او غلوم دیلین اولسا قارا دنیا سنین اولماز هر خیال ایله دولانسان آرزولارین آرالاماز

اصل 15 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

..... استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

تصمیم گرفتم بنویسم اما نه سیاسی ولی چه بنویسم واز کجا بنویسم؟ گوشه ای از حقایق زندگیم را... ولی خیلی ساده خواهم نوشت آنقدر ساده که نوشته هایم مثل زندگیم ساده باشد !! شاید سنوال کنید چرا فارسی می نویسم؟ چون اکثر افرادی که بعنوان خواننده این نوشته می توانم قلمداد کنم شاید تورکی خواندن بلد نباشند. اولین بار که تلویزیون نگاه کردم زبان آن را نفهمیدم از مادرم پرسیدم مگر این تلویزیون مال کشور من نیست؟ گفت چرا فرزندم تلویزیون مال کشوری هست که در آن زندگی می کنیم پرسیدم پس چرا زبان آن را نمی فهمم؟ گفت چون آنهایی که آن بالا نشسته اند از ملت ما نیستند گفتم حالا به من بگو این تلویزیون چه می گوید؟ گفت من هم نمی دانم. خود به خود پرسیدم که این چه تلویزیونی هست که نه من و نه مادرم از زبانش سردر نمی آوریم. آیا واقعا این تلویزیون مال ماست؟! یک هفته قبل از اینکه به مدرسه بروم با پدرم رفتیم کتاب بخیریم در راه به پدر گفتم که در این کتاب چه نوشته است؟ گفت پسر من نمی توانم بخوانم با خود فکر کردم که وای این چه کتاب سختی است که حتی پدرم از خواندن آن ناتوان است، کتابها را در کیف گذاشته به مدرسه رفتم و روز اول معلم سرکلاس آمد وگفت کتابها را باز کنید ما هم باز کردیم در کتاب عکسهایی بود که سگی به دنبال گربه بود و معلم گفت: "بچه ها هر وقت این عکس را دیدید می گوید سگ گربه را دنبال می کند." یکی از بچه به معلم گفت: "اقا اجازه ولی اینجا یک "ایت" و "پیشیک" است." معلم جواب داد: "نادان هر آنچه تا بحال یاد گرفتید هیچ است و از این به بعد هر چه من می گویم درست است." با خود گفتم پس این همه اهل روستا اهل خانواده و این همه دانش آموز که مثل من صحبت می کنند همه هیچ است و چرا این همه مردم تا بحال هیچ یاد گرفته اند. چند ماه بعد موقع امتحان بود معلم از من سنوال کرد و عکس بز را به من نشان داد و گفت: "این چیست؟" من هم گفتم: "گنجی" و همه بچه ها خندیدند و معلم بر دستهای من چوب زد. صورتم سرخ شده بود ولی یک بار فریاد کشیدم اگر می خواهید بدانید که من اشتباه نمی گویم همه بیایید به دامداری ما برویم که ما صدتا از این حیوان پرورش می دهیم و همه را گنجی می گوئیم و معلم گفت: "گنجی را در دامداری می گویند ولی در مدرسه به آن بز می گویند." با خود فکر کردم این چه حیوان عجیبی است که نام آن در مدرسه و دامداری فرق می کند. این تغییر اسمی به آن حد رسید که در خانه وقتی اسم مدرسه ای بعضی چیزها را می گفتم با پدرمادرم مشکل داشتم ودر آخر به این نتیجه رسیدم که مدرسه جانی است دروغگو و فقط اسمی اشیا را عوض می کند و باعث اختلاف بین من و خانواده ام میشود، چون چیزهایی که در مدرسه به من یاد می دادند کاملا مخالف با آن چیزهایی بود که تا بحال یاد گرفته بودم و همه مردم مثل من صحبت می کردند و سنوالات زیادی در ذهنم بدون جواب مانده بود. به همین خاطر هر روز از دست معلم چوب می خوردم و پیش بچه ها خوردم می شدم. اگر سر شما را درد می آورم معذرت می خواهم ولی اگر شما تحمل شنیدن این حرفها را ندارید تصور کنید که من اینها را نشنیده ام بلکه با اینها زندگی کرده ام و حال مرا درک خواهید کرد. روزی درس مربوط به بخش کردن کلمات بود که آنها را با صداهای مختلف بخش می کردیم مقتل دفتر = دف + تر معلم صدایم کرد و گفت: "نقاش را بخش کن". فوراً فکر کردم که این کلمه یک "ق" دارد آیا آن را در بخش اول بگویم یا بخش آخر در این فکر بودم که معلم با صدای بلند گفت: "چنگیز زود باش نقاش را بخش کن". من قسمت

قیسسا خبر لر

*کنچن هفته اوت گونو(چرشنبه) 84.9.23 شهید بهشتی بیلیم یوردونون صنایع غذایی فکولته سینده دان اولدوزو قورویونون کونسرتی کنچیریلدی.

*آینی گونو(جمومه) 84.10.2 تهران بیلیم یوردولارینین گزی سی چیتگر دره سینده قورولاجاق. یولا دوشمک یئری: گیشا کورپوسو- سوپور(رفتگر) پارکی چاغ: ساعات 7

*کویولو سعید نجاری - نین اینگیلیسجه-آذربایجان تورکجه سینده سوزلویو یاییلیدی.بو ده یرلی سوزلوک ایلك اینگیلیسجه-آذربایجان تورکجه سی سوزلوک دیر.

*1324-اینجی ایلین اوخ آتان آیینین 21-اینجی گونو،آذربایجان میلی حوکومتینین قورولوش گونون و تورکجه ادبیاتین رسمیته تائینماق ایل دونومون بوتون آذربایجان بولگه لرینده شنلیکله گنچیریلدی.

*گروه میانجی مینسک مذاکرات مربوط به حل مناقشه قرهباغ را سخت خواند.

*ریسان جمهوری روسیه و ارمنستان برگسترش روابط تاکید کردند.

*قلعه بارزلوی عجیبترین مقاومترین معماری آجر و ملات سه هزار ساله را داراست.

*حمام قدیمی خواجه نصیر مراغه در فهرست آثار ملی ثبت شد.

*318 کلاس درس در آموزش و پرورش ناحیه یک تبریز نیاز است.

*نماینده ملکان از بی توجهی مسوولان میراث فرهنگی به آثار تاریخی این شهرستان انتقاد کرد.

*کهنسالترین زوج آذربایجانی در روستای "نقاره کوب" اهر زندگی می کنند: کهنسالترین زوج آذربایجانی با بیش از ۲۰ سال عمر در روستای "نقاره کوب جدید" در شرق شهرستان اهر زندگی می کنند.

*کمتر از 30 درصد مدارس آذربایجان شرقی در مقابل زلزله مقاوم هستند.

*۲۰ درصد از مبتلایان به ایدز در آذربایجان غربی فوت کرده اند.

*نماینده اهر خواستار برقراری بیمه بیکاری برای کارگران مس سونگون شد.

*مدیر آموزش و پرورش ملکان: کمبود امکانات مانع از انجام تحقیقات است.

*کنسرت گروه موسیقی آذری ختایی آخر هفته جاری در اردبیل برگزار می شود

*روزنامه های باکو: تلاش نهادهای بین المللی برای تحرک بخشیدن به مذاکرات قرهباغ: برخی مطبوعات چاپ باکو پایتخت جمهوری آذربایجان روز پنجشنبه از تحرکات جدید نهادهای بین المللی برای از سرگیری مذاکرات صلح درباره مناقشه قرهباغ خبر دادند.

*ویلیام جیتیک (نویسنده و پژوهشگر): جوانان ایرانی به زبان و ادبیات فارسی بی توجهند .

سمینار میرزا حسن رشديه و آموزش نوین و نمایشگاه نشریات دانشجویی

دبیر خانه سمینار یک روزه میرزا حسن رشديه و آموزش نوین بمنظور برپایی نمایشگاه نشریات دانشجویی همزمان با برگزاری سمینار از تمامی نشریات دانشجویی آذربایجانی برای شرکت در این نمایشگاه دعوت بعمل می آورد. برای کسب اطلاعات بیشتر با آدرس زیر مکاتبه نمایند.
rushdiye_seminar@yahoo.com

به هم خوردن جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان با رئیس دانشگاه آزاد مراغه

به خاطر اصرار دانشجویان بر بازگشایی انجمن ادبی تورکی و وتشکیل کلاسهای تورکی

جلسه پرسش و پاسخ با حضور ریاست ومعاونین دانشگاه آزاد اسلامی مراغه در سالن آمفی تئاتر این دانشگاه برگزار گردید. در این جلسه که حدود 400 نفر از دانشجویان این دانشگاه حضور داشتند، سوالات مختلفی راجع به مشکلات دانشجویان مطرح شد

یکی از دانشجویان خواستار پاسخگویی رئیس دانشگاه نسبت به راکد ماندن درخواست دانشجویان مبنی بر تشکیل کلاسهای زبان و ادبیات تورکی شد. سوال این دانشجوی با تشویق دیگر دانشجویان در حمایت از خواسته وی همراه گردید. رئیس دانشگاه جناب دکتر عارفی سعی در طفره رفتن از جواب دادن به این سوال را داشت. وحید دهقانزاده دومین دانشجویی بود که از رئیس دانشگاه خواست از جواب دادن به سوالات طفره نرود، وی از رئیس دانشگاه در مورد علت تعطیلی انجمن ادبی تورکی "سهند" پرسید و دانشجویان با تشویقهای ممتد خود از وی حمایت کردند. رئیس دانشگاه در جواب وی گفت "هیچ مشکلی در این مورد وجود ندارد". در این هنگام یکی از اعضای موسس انجمن ادبی سهند "حامد یگانه پور" به نشانه اعتراض به پا خواست تا سوال را تکمیل کند ولی ریاست دانشگاه مانع از طرح سوال وی گردید. در نهایت این داشجو خود پشت تریبون رفته ضمن اعتراض از ریاست ومسئولین دانشگاه به خاطر مانع تراشی در جهت طرح سوال وی انتقاد کرد، وی گفت"جناب کاظمی مطلق معاون پژوهشی می فرمایند دانشجویان هنگام پرسش لطفا ادب ونزاکت را رعایت نمایند ولی خودشان دو روز پیش در دفتر نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه در مقابل درخواست نماینده دانشجویان آقای "آیدین مقدم" مبنی بر تشکیل مجدد انجمن سهند گفته بودند:"ما اجازه تشکیل این انجمن را نخواهیم داد زیرا اعضای قبلی آن پان ترکیست(!) بوده اند". این دانشجو در ادامه افزود من نمی دانم ما واقعا معنی این واژه ها را می دانیم واستعمال می کنیم یا نه!!!؟ جناب آقای کاظمی مطلق اگر دوست داشتن زبان مادری وعشق ورزیدن به هویت آبا واجدای پاان ترکیسم است ،اینجانب با افتخار اعلام میکنم که پان ترکیستم ولی اگر شما این لغت رادر معنی دیگر به کار میبرید باید ابتدا نسبت به این واژه توضیحاتی بدهید ومارا روشن فرمایید".این سخن یگانه پور با تشویقهای مکرر وحمایت لفظی دانشجویان همراه بود. مسئولین دانشگاه پس از مشاهده این وضع، اوضاع را بر وفق مراد خود ندیدند و جلسه پرسش وپاسخ راختمه دادند. لازم به ذکر است که کاظمی معاون دانشگاه در پایان جلسه به عده ای از دانشجویان گفته بود که "حامد یگانه پور را به کمیته انضباطی خواهیم کشاند ودر جهت اخراج نامبرده از دانشگاه تلاش خواهیم نمود".حامد یگانه پور دانشجوی سال آخر رشته عمران میباشد.

قولتو: happy / شهنلیک: celebration / بیلیم یورد:
university / فاکولته: college / اؤیرنجی: student
/ چاغ: time / دان اولدوزو:star / اولوس:
nation / اوزگورلوك: liberty / یابانجی: stranger
/ گيره وه: occasion / تانری: God / بؤلگه:
zone, اورتاق: partner / اومماق: expect.

سایین یولداشیمیز احد عادل جینابلاری؛

بیژی ده اوز کلرینیزده اورتاق بیلین. تاتریدان سیزه دوزوم استیتریک.

ایمتیاز بیه سی و سوروملو مودور:

کویولو حمید عظیمی

Yurd84@mynet.com

بو سایین امکداشلاری:

سید مصطفی جمشیدی، کویولو محمد پیرقلی، پریخانلی جواد سرو ناز

رجایی بیلیم یوردوندا نه لر اولور!

. ایکی آی اؤنجه، رجایی بیلیم یوردونون تورک اؤیرنجیلری، بیلیم یوردون کولتورل معاوینتینه بیر مکتوب ونره رک، آذربایجان تورکجه سینده اؤیرتیم کیلاسی نین قورولماسینی ایسته دیلر. بو مکتوبو بیر ساعات سورده سینده، 200دن آرتیق اؤیرنجی قول چکدیلر. آنجاق اوزونتو ایله بنله، بیلیم یوردون سوروملاری بو مکتوبو بیر فوتبول توپو کیمی، اؤز ارالاریندا گزیدیردیلر! اولنلر بو ایشلرله بیژی مکتوبون اردین تومتاقان چکیندیرمک ایستیردیلر.آنجاق تورکلرین ایستکلریندن ال چکه مکلرین گؤرنده، مستقیم "یوخ"دنمک ایسته مه دیکلرینه رغنم، بو ایسه مجبور اولدولار.ایشلری بیر غیرمنطقی ایش اولدوغونا گوره، اولنلر اؤز جواب لارینی مکتوب اولراق ونرمه به حاضریر اولمادیلار.بیر داهای بیلیم یورد سوروملاری تورک اؤیرنجی لرین ان سیویل و دنموکراتیک ایستک لرلیه غیر منطقی و غیر دنموکراتیک اولراق قارشیلیق وایلر.

توقیف نشریه دانشجویی قیزیل اوزن در دانشگاه زنجان

هیات ناظر بر نشریات دانشجویی دانشگاه زنجان پس از انتشار ویژه نامه نشریه دانشجویی قیزیل اوزن به مدیر مسئولی خانم ریحانه پور غنی، حکم به توقیف این نشریه به جرم تجزیه طلبی و ترویج اختلاف بین " ترک وفارس" داد. ویژه نامه این نشریه با محرومیت اعتراض به نقض حقوق بشر وحقوق اولیه انسانی در احکام صادره برای عباس لسانی فعال سیاسی تورک در اردبیل منتشر گردیده بود. در قسمتی از این نشریه میخوانیم جرم تلقی نمودن انتشار تقویم به زبان ترکی و همچنین جرم تلقی نمودن نحوه تقریر جواب سوالات بازجو به زبان ترکی در احکام صادره برای عباس لسانی در حقیقت نشانگر این واقعیت است که ملتی در ایران به جرم تورکی صحبت کردن وتورک بودن زیر ظلم قرار دارد. در جلسه تقویم اتهام مدیر مسئول این نشریه اعضای هیات بدون نقل مستندات کافی صرفا به تفهیم اتهام کلی "اختلاف انداختن بین ترک وفارس" بسند نمودند. مدیر مسئول نشریه نیز در اعتراض به این عمل خلاف آئین نامه این هیات از ادای دفاعیات در این مورد خودداری نمود .

جلوگیری از نوشتن پلاکارد ترکی در دانشگاه شبستر

طبق گزارشات رسیده از دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر دانشجویان رشته کامپیوتر این دانشگاه برای قدردانی از دوست و همکلاسی خود که در مسابقات رزمی آزاد و بی قانون CAG در باکو مقام اول راکسب کرده بود پلاکاردی به زبان مادری (تورکی) نوشته وپس از تایید روابط عمومی آنرا نسب کردند که این کار با استقبال بی حد دانشجویان روبرو گردید. پس از مدتی عوامل این کار در حراست مورد مواخذه قرار گرفتند و به آنان تهمت خرابکاری و اختشاشگری زده شد و اعلام شد که زبان رسمی در ایران فارسی بوده و حق استفاده از غیر آن را در محافل عمومی ندارید لازم به ذکر است که پلاکارد مذکور از دیوار برداشته شد .

شهر صوفیان هنوز هم از اینترنت محروم است!

شهر صوفیان در 30 کیلومتری تبریز و در امتداد جاده ی تبریز-مرند واقع شده است . این شهر با وجود شعراهای عدالت محور مسئولین کشوری و استانی، هنوز که هنوز است از نعمت دسترسی به اینترنت با خطوط داخل شهری محروم می باشد. حدود 2 سال پیش یک شرکت به نام آذر رایانه، اقدام به نصب تجهیزات آی اس پی کرده بود که بعد از گذشت 4 ماه از فعالیتش، توسط اداره ی امکان مهر و موم شد. از آن به بعد هم هیچ شرکتی مبادرت به این کار نکرده است. مسئولین مخابرات این شهر هم در ابتدا نبودن خط دیتا را بهانه می کردند ولی اکنون خطوط دیتا هم راه اندازی شده و با این وجود باز هم مشکل تراشی می شود . گفتنی است دانشگاه آزاد 2 سال است که در این شهر مستقر شده و اقدام به پذیرش دانشجو کرده است ولی دانشجویان این دانشگاه ، توانایی استفاده از اینترنت با هزینه های راه دور را ندارند . مردم شهر صوفیان هم اغلب علاقمند به مسائل پیرامونی خود می باشند و در این راستا اقداماتی را انجام داده اند ولی تاکنون هیچ نتیجه ای نگرفته اند !